

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره دوم-تابستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۸

بررسی شعر انتظار در ادبیات فارسی و جایگاه اشعار انتظار آیت الله غروی

اصفهانی

(ص ۲۱۳-۲۰۳)

سید مهدی صدر الحافظی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷

چکیده

در این مقاله سعی شده است به چگونگی روند شکل‌گیری شعر انتظار در ادب فارسی و مولفه‌های این نوع شعر پرداخته شود و جایگاه اشعار انتظار آیت الله غروی اصفهانی (متوفی ۱۳۶۱ ه.ق) نیز مورد بررسی قرار گیرد. پر واضح است که شعر انتظار به مفهوم خاص آن پس از صفویه نمود یافته است. اگرچه در قبل از اینزمان اشعاری با مضامین مهدویت و انواع مهدویت‌های مورد پذیرش فرق مختلف بیان شده است اما در حوزه ادبیات انتظار جای نمی‌گیرد. مولفه‌های شعر انتظار بر اساس مضامین مطرح در شعر ده شاعر از شاعران ولایی‌سرای فارسی می‌توان از ذکر فضایل حضرت، ضرورت وجود امام در جهان و ولایت تکوینی ایشان نام برد. در ادامه بحث به بررسی مختصات فکری اشعار انتظار آیت الله غروی اصفهانی که با رویکردی عاشقانه و توجه به سنن ادبی سروده شده توجه گردید و تاثیر منقبت‌سرایی عاشقانه در ذکر فضایل ائمه معصومین (علیهم السلام) مطرح شد و به بارزترین نکات معانی، بدیعی و بیانی اشعار انتظار این شاعر نیز اشاره گردید.

کلمات کلیدی: حضرت صاحب‌الزمان (عج)، انتظار، شعر شیعی، آیت الله غروی اصفهانی

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران sadrolhefazi@ut.ac.ir

مقدمه

مهدویت و توجه به مصلح جهانی همواره مورد توجه جامعه بشری بوده است و این اختصاص به دین اسلام ندارد. با رسمی شدن مذهب شیعه به تدریج معارف شیعی در بین مردم رواج یافت و شاعران به مناقب چهارده معصوم (علیه السلام) در اشعار پرداختند. اگرچه در قرنهای نهم و دهم و حتی یازدهم مناقب خاص معصومین (علیه السلام) در اشعار ولایی کم است و مدایح عام در اشعار ولایی فزونی دارد اما همین مقدار اندک فضایل بسرعت در بین شاعران رواج یافت بطوریکه شاهد تلمیحات تاریخی و مضامین مشابهی هستیم. این در حالی است که هنوز ادب انتظار شکل نگرفته است. پس از رواج معارف شیعی شاعران با روندی آرام به سرودن قصایدی در منقبت حضرت صاحب الزمان (عج) روی آورده اند. در طی قرون نهم و دهم و حتی پس از آن تعداد این قصاید در دیوان اشعار از دو یا سه قصیده به سختی فراتر میرفت و در صد بیشتر ابیات این قصاید نیز مملو از مدایح عام بود نه مناقب خاص ایشان.

در ادوار شعر فارسی تعداد شاعران اندکی که در منقبت حضرت امام زمان (عج) شعاری را سروده‌اند به وجود حضرت مهدی (عج) و قیام ایشان در آخر الزمان و همچنین به دجال و آشوبهای آخر الزمان اشاره کرده اند. این مباحث در قرونیکه که تحکم اندیشه اشعری وجود دارد تنها از باور شیعی حکایت دارد البته اگر بطرز شاعران اسماعیلی تاویلی در آن صورت نگرفته باشد. از این جمله میتوان به شاعران زیر اشاره کرد:

«اسدی طوسی شاعر قرن پنجم در ابتدای گرشاسب نامه به ظهور حضرت مهدی (عج) و برخی از احادیث ظهور و وقایع دجال اشاره کرده است.

قطران تبریزی بنام مبارک حضرت مهدی (عج) و فتنه دجال اشاره کرده است:

همی به دیده بدیدم چو روز رستاخیز ز پیش رایبت مهدی و فتنه دجال
(قصیده ۴۳)

ابوالفرج رونی شاعر قرن پنجم در قصیده ای درمدح طاهر بن علی چنین اشاره کرده است:

مشهور شد از رایبت او آیت مهدی منسوخ شد از هیبت او فتنه دجال
(سیمای موعود در شعر فارسی ۳۹-۴۵)

در سده‌های قبل از استقرار حکومت صفویه برخی از مضامین اشعار شاعران به باورهای مذاهب و فرق مختلف درباره منجی آخر الزمان مربوط میشود که به بحث انواع مهدویت مربوط میشود که در حوزه ادبیات انتظار جای نمیگیرد و مجال جداگانه‌ای میطلبد.

از شاعران شیعی که برای شکل‌گیری ادب انتظار نقشی ایفا کرده‌اند و شاید در حد یک تا سه قصیده در این باره سروده‌اند؛ میتوان از شاعران زیر نام برد:

نظام استرآبادی شاعر قرن نهم و اوایل دهم هجری در قصیده ای دیگر شاعر پادشاه ممدوح خود، سیف الدین مظفر بتکچی، را بطور ضمنی با حضرت مهدی (عج) مقایسه کرده است. چو شد ظهور تو از دشمنان نماند اثر که مهدی تو و اصناف دشمنان دجال (دیوان نظام استرآبادی، ۳۴۸)

نکته قابل توجه سرودن و ابیاتی در توصیف تجلی عدل جهانی پس از ظهور حضرت بقیه الله (عج) است.

نجیب کاشانی شاعر قرنهای دهم و یازدهم هجری در قصیده‌ای بنام شمع خیال و مداحی حضرت صاحب الزمان (عج) بیشتر به مدایح عام پرداخته است و در بیتی نام حضرت را که شیعیان طبق احادیث از ذکر آن منع گردیده اند در شعر آورده است:

امام مشرق و مغرب ... مهدی
به چشم گفتم و آتش زدم به شمع حیا
ظهور کن که شود بر مخالفان روشن
ز آفتاب عدالت که بی زوال بود
زیم عدل تو خوابش ز بس که سوخت به شمع
کز اوست شمع امید جهانیان روشن
به گرمی‌ای زبان گشت در دهان روشن
که شمع دین ز تو بوده است در جهان روشن
چه شمعها که نمودی تو در جهان روشن
چو شمع شد مژه در چشم پاسبان روشن
(دیوان نجیب کاشانی، ۵۶۹ - ۵۷۰)

واعظ قزوینی شاعر قرن یازدهم در این باره قصیده ای سروده است که جز مدایح عام به دو نکته اشاره کرده است:

هستی از بهر ذات پاک ایشان بر پا است. البته شاعران دیگر برپایی هستی را بعلت وجود حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) نسبت داده اند. حجت حق، نور مطلق، صاحب امر آنکه او هستی نه آسمان از بهر ذات پاک او
بحر زخار امامت راست موج واپسین
چون وجود انگشتتری از بهر نگین
(دیوان اشعار واعظ قزوینی، ۵۳۳)

در ابیاتی دیگری واعظ قزوینی به فیضی که بواسطه ایشان به جهان میرسد و همچنین رجعت اشاره کرده است:

هستی او در جهان چو آب در گلهای نهان
دامن عهد ظهورت کو که تا آید برون
فیض او در شش جهت پنهان چو در موم انگبین
ناله‌ها از استخوانم همچو دست از آستین
(همان، ۵۳۴)

فیض کاشانی شاعر قرن یازدهم به سبک اشعار عاشقانه برای ائمه معصومین (علیه السلام) منقبت سرایی کرد در حالی که تا اینزمان برای گرامی داشت مقام معصومین (علیه السلام) از اینگونه مباحث پرهیز میشد. او در دو قصیده که بشارت ظهور و منقبت ایشان و دیگر در قائم بودن جهان

بوجود امام زمان (عج) مباحثی از امام‌شناسی شیعه را بطور موثر و تاثیر گذار مطرح میکند که در تکامل شعر شیعی و ادبیات انتظار در قرن سیزدهم تأثیر بسزایی داشته است. فیض کاشانی قصیده‌ای در بشارت ظهور حضرت مهدی (عج) و منقبت ایشان سروده است و ضمن اشاره به برخی از احادیث ائمه (علیهم السلام) به ارائه استدلال درباره وجود حضرت قائم (عج) پرداخته است.

قول و فعل خلق مشهود دل دانای اوست
آنکه عالم سر به سر مقهور استیلای اوست
مهدی هادی که قصر پادشاهان جای اوست
جد ثالث سبط ثانی ده وصی آبای اوست
خلق و خلُقش مثل خلق و خلق بیهمتای اوست
جود و بخششهای خاتم یک نم از دریای اوست
عمر خضر و نوح و عیسی حجت ابقای اوست
دیده خورشید حیران رخ زیبای اوست
از فروغ نور توحیدی که بر سیمای اوست
رایت شمشیر او هم در ید طولای اوست
از نهیبش آب گردد هر که از اعدای اوست
در حقیقت او شهید معرکه فردای اوست
از: مباحثی اعم

اینک آمد آنکه آگاه است از کار همه
اینک آمد آن شهنشاه جهان خلق و امر
نایب رحمان، خلیفه حق، امام بر و بحر
آنکه جدش مصطفی و جد ثانی مرتضی است
آنکه حقش با نبی هم کنیت هم نام کرد
علم دانایان عالم یک سخن از علم او
غیبت چندین نبی برهانی از اخفای او
نافه را دل خون بود از خال خدایم
در بتان آتش فتد بتخانه‌ها ویران شود
در برش درع نبی، بر سر عمامه مصطفی
ذوالفقار مرتضی بیرون کشد چون از غلاف
هر که بهر نصرتش امروز دارد انتظار
در قصیده‌ای نیز با عنوان قائم بودن جهان به وجود امام زمان (عج) سروده و در آن به مباحثی اعم از:

مقصود از آفرینش وجود مبارک حضرت صاحب الزمان (عج) بوده است، کائنات طفیل وجود ایشان است، معصوم بودن ایشان، اشاره به حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة» و عدالت ایشان اشاره کرده است:

مگر وجود یکی بنده خجسته گهر
نه بر امید بهشت و نه بیم نار سقر
خدای را به حقیقت مطیع و فرمانبر
بقای او سبب انتظام زیر و زبر
بود اطاعت او فرض بر همه یکسر
امام عصر، پس او مرد جاهل و ابتر
در آن نفس شود این خلق جمله زیر و زبر
همیشه بوده و هستند مخفی و مظهر
ز خوف ظلم اعدای و علت دیگر
(فیض کاشانی، ۱۳۷۱، ۳۱۱-۳۱۳)

نبود مقصد اقصی ز آفرینش کل
که بندگی کند از ره شناسایی
بود ز معصیت و جهل و شرک و شک معصوم
وجود او سبب بود آسمان و زمین
امام و هادی و رهبر بود خلایق را
رسول گفت که هر کس بمرد و او نشناخت
به یک نفس نبود گر امام در عالم
ز عترتش حجج الله بر سبیل بدل
امام و حجت ما غایب از مردم

لطفعلی آذر بیگدلی شاعر قرن دوازدهم هجری در قصیده ای با اشاره به برقراری عدالت در جهان پس از ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) به اعتقاد مذاهب مختلف درباره ظهور منجی اشاره کرده است:

به اجماع ملل روزی در آخر زمان گردد
نشیند بر سریر سروری شاه فلک جاهی
ولی هر یک به اسم دیگر و رسم دگر خواندش
یهودش داند از نسل یهودا، ماشیع نامش
مسلمانش شمارد فاطمی یکسر ولی زیشان
زمین چون زلف خوبان تیره و آشفته و درهم
که از عدلش جهان گردد چو روی نوخطان خرم
زبان عالمی گردان، بنام او مگر ابکم
مجوسش زاده زردشت و ترسا زاده مریم
همی گویند فوجی کان گهر باشد همان در یم
(آذر بیگدلی، ۱۳۶۶، ۹۷)

حزین لاهیجی شاعر قرن دوازدهم سه قصیده درباره حضرت صاحب الزمان (عج) سروده است که بیشتر دارای مداخل عام است و تنها در دوبیت به عدل حضرت اشاره کرده است:

گشت از اثر عدل تو کار دو جهان راست
دست قدر امروز در آن قبضه تیغ است
گر پیچ و خمی هست به زلفین بتان است
پشت ظفر امروز بر آن پشت کمان است
(حزین لاهیجی، ۱۳۷۴، ۶۳۰)

فدایی کزازی شاعر قرن سیزدهم در قصیده ای که درباره امام زمان (عج) سروده است به وقایع پس از ظهور اشاره کرده است که ذکر چنین حوادثی در اشعار انتظار اغلب نادر است:

نهاده تاج ولایش به فرق عیسی مریم
ز پی خمیس نفیسیش دهد رسوخ نوافذ
نشسته منتظر وی به تخت طارم رابع
به بر صنوف صفوفش به کف سیوف قواطع
(فدایی کزازی، ۴۷۵)

مضامین برخاسته از معارف امام شناسی در شعر این شاعران بسیار کم و اغلب تکراری است.

ویژگیهای شعر انتظار در اشعار آیت الله غروی اصفهانی

آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ ق.) از علمای بنام تشیع، در دانشهای گوناگون مقامی شامخ داشت تألیفات وی تا بیست و پنج اثر میرسد. از آثار او میتوان به حاشیه‌ای بر کفایت الاصول، حاشیه‌ای بر مکاسب، رساله‌ای در اجاره، رساله‌ای در اجتهاد و تقلید، رساله‌ای در معاد، رساله‌ای در حروف، رساله‌ای در نماز جمعه، منظومه تحفه الحکیم و دیوان اشعار نام برد. وی هفت شعر در منقبت حضرت امام زمان (عج) سروده است که در این مجال به بررسی آنها میپردازیم:

مختصات فکری اشعار انتظار کمپانی محدود به چهار ویژگی است که در طول اشعار متفاوت تکرار میشود و البته این مضامین در شعر شاعران پیشین هم مطرح شده اند:

- در شرح فضایل حضرت بقیه الله (عج)

- هستی طفیل وجود حضرت صاحب الامر(عج)

- ولایت تکوینی حضرت

- مباحث پراکنده که در یک یا دو بیت مطرح شده اند.

در ادامه مطلب برای هریک از موارد یاد شده چند نمونه آورده میشود:

در شرح فضایل حضرت حضرت بقیه الله (عج)

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| اسم اعظم مکنون مظهر اتم آمد | گنج گوهر مخزن معدن کرم آمد |
| آنکه نسخه ذاتش دفتر کمالات است | (دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۴) |
| دل والا گهرش مخزن اسرار اله | مصحف کمالاتش محکمت آیات است |
| حجت قاطعه و قانع الحاد و ضلال | (دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۵) |
| حاوی علم و یقین، حامی دین و آیین | دیده حق نگرش ناظر سرّ و علن است |
| جامع الشمل پس از تفرقه اهل وفاق | رحمت واسعه و کاشف کرب و محن است |
| مظهر قائم بالقسط حجاب ازلی | ماحی زیغ و زلل، محیی فرض و سنن است |
| مرکز دایره هستی و قطب اقطاب | باسط العدل پس از آنکه زمین پر فتن است |
| مالک کن فیکون و ملک کون و مکان | (دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۸) |
| قاب قوسین که آخر قدم معرفت است | معلن سرّ خفی مظهر ما قد بطن است |
| هست هر سوره به تحقیق ز قرآن حکیم | آنکه با عالم امکان مثل روح و تن است |
| ای مصطفی شمایل وی مرتضی فضایل | مظهر سلطنت قاهره ذی المنن است |
| ای رویت آیه نور، وی نور وادی طور | (دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۷) |
| هستی طفیل وجود حضرت صاحب الامر(عج) | اولین مرحله رفرف جولان شما |
| هم فلک را حرکت از حرکات نفسش | آیه محکمه‌ای در صفت شان شما |
| مادر گیتی طفیل طفل مطبخ خانه است | (دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۰) |
| | وی احسن الدلائل یاسین و طا و هار را |
| | سرّ حجاب مستور از رویت آشکارا |
| | (دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۲) |
| | هم زمین را ز طمأنیه نفسش سکن است |
| | (دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۸) |
| | خوان احسان ترا آباء علوی میهمان |
| | (دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۴) |

کلك لطفش زده بر لوح عدم نقش وجود
دست قهرش شرر خرمن دهر کهن است
(دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۸)

ولایت تکوینی حضرت صاحب الزمان (عج)

در دست قدرت او لوح قدر زبون است
با کلك همت او وقعی مده قضا را
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۲)

چرخ اعظم همچو گویی در خم چوگان تست
خرگهت را کهکشانش آسمان یک ریسمان
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۴)

چیست با فرمان تو کلك قضا، لوح قدر
فیض سبحانی و آن لاهوت ربانی قرین
هر دو در ایوان تو خدمتگزار و ترجمان
امر کاف و نون و آن عزم همایون توأمان
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۴)

مباحث پراکنده‌ای که در یک یا دو بیت مطرح شده‌اند:

شاعر در ابیات ولایی خود فقط در دو بیت یکبار درباره پیروزی آخر زمان بدست حضرت بقیه الله (عج) و دیگری در پناه بردن به ایشان از حوادث آخر زمان به حوادث آخر زمان و ظهور اشاره کرده است:

تا که رأیت نصرت زیب دوش مولا شد
ساز نغمه عشررت تا به عرش اعلی شد
(دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۴)

ما را ز قلمز آخِر الزمان
جز ساحل عنایت و لطف کنار نیست
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۷)

با توجه به اینکه قسمت بیشتر مدایح و مراثی شاعر درباره واقعه عاشورا است و برای بسیاری از شخصیت‌های موثر در واقعه کربلا شعر سروده است اما فقط در یک بیت از حضرت ولی عصر (عج) نام برده است بطور غیر مستقیم به این مطلب اشاره کرده است که حضرت حجت (عج) منتقم خون حضرت امام حسین (ع) میباشد.

در نوحه‌ای خطاب به حضرت ولی عصر (عج)

ای امام منتظر، ای شهسوار نشأتین، یالثارات الحسین

سیدی قم، فمتی تشفی صدورالمسلمین؟ یا ولی المومنین

(دیوان اشعار کمپانی، ۱۰۵)

شاعر اشعار بسیاری در مدایح و مناقب حضرت فاطمه زهرا (س) سروده است اما برخلاف معارف رایج شیعی از حضرت صاحب الزمان بعنوان منتقم ایشان یاد نکرده است.

دو مشخصه اشعار ولایی کمپانی عبارتند از:

الف. رویکردی عاشقانه در مدح ائمه (ع).

ب. توجه به سنن ادبی و استفاده بسیار از آن.

فیض کاشانی بعنوان شاعر تاثیرگذار اشعار ولایی فارسی را در قرن یازدهم به سبک عاشقانه سرود. تا قبل از این قرن برغم آنکه تکامل خوبی در شعر ولایی در حال شکل‌گیری بود اما هیچ یک از شاعران برای پاسداشت مقام معصومین (ع) رویکرد عاشقانه در منقبت ائمه (ع) نداشته‌اند. شاعران اندکی پس از این نیز به سرودن شعر ولایی به سبک عاشقانه رغبت نشان داده‌اند.

کمپانی بعد از فیض کاشانی از شاعرانی است که به سبک عاشقانه به مدح ائمه معصومین (علیهم السلام) پرداخته است:

در مدح حضرت صاحب الزمان (عج)

دلبراً دست امید من و دامان شما
خاک راه تو و مژگان من ار بگذارد
لب لعل نمکین تو مکیدن حظی است
سر ما و قدم سرو خرامان شما
ناوک غمزه و یا خنجر مژگان شما
که نه طالع شوم یار نه احسان شما
(دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۹)

این وجهه در اشعار کمپانی دو چندان است زیرا وی از سنن ادبی نیز استفاده میکند و در توصیفات عاشقانه از مولفه‌هایی که در سنن ادبی درباره معشوق وجود دارد بکار میبرد:

در منقبت حضرت حجت الله اعظم (عج)

بی‌چین زلف دوست نه هر حلقه ای نکوست
ای سرو معتدل که به میزان عدل و داد
تاری ز طره اش به ختا و تثار نیست
سروی به اعتدال تو در روزگار نیست
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۶)

وندی محیط دایره علم و معرفت
جز نقطه بسیط دهانت مدار نیست
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۷)

آستان تو بود مرکز سلطان هما
زهرة شیر فلک آب شود گر شنود
قاف عنقا قدم شرفه ایوان شما
شیهه زهره جبین توسن غران شما
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۰)

عرصه دهر پر از نغمه «یا بشری» شد
وهم پنداشت که دارد نفس باد صبا
خبر ار هست از آن غیغ و چاه ذقن است
شرح آن نقطه موهوم که نامش دهن است
(دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۶)

مسئله دیگری که در اشعار ولایی کمپانی دیده میشود آوردن تغزل و بهاریه در ابتدای اشعار منقبتی است. این ویژگی اگرچه در شعر عرب حفظ شده است اما قصاید منقبتی فارسی تا این دوره از شعر ولایی فارسی باین درجه از کمال رسید که از ابتدا وارد مناقب معصومین (ع) گردد.

یکی از علل آوردن تغزل و بهاریه در ابتدای اشعار منقبتی کمپانی توجه به سنن ادبی است که درباره آن بحث شد.

نکات معانی، بدیعی و بیانی اشعار انتظار کمپانی

نکته قابل توجه مربوط به علم معانی در اشعار انتظار کمپانی استفاده از ندا به غرض تعظیم میباشد:

ای سلیمان زمان، پادشه عرش و مکان	خاتم ملک تو تا کی به کف اهرمن است
ای همای ملاً قدس و حمام جبروت	تابه کی کعبه دلها همه بیت الوثن است
ای رخت قبله توحید و درت کوی امید	تا به کی کعبه دلها همه بیت الوثن است

(دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۸)

شاعر در علم بدیع به حسن تعلیل و تلمیح توجه کرده است. حسن تعلیل بسامد بلایی در اشعار قرن دهم و یازدهم دارد. تلمیح همواره در شعر ولایی بسامد بلایی داشته است.

حسن تعلیل

دل به دریا زده از شوق جمالت الیاس	خضر از عشق تو سرگشته ربع و دمن است
نه در این دایره سر گشته منم چون پرگار	چرخ سر گشته چو گویی است به چوگان شما

(دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۹)

تلمیح

۲۰۷ مصباح بزم انس به شکوه قرب قدس حقا که جز تجلی حسن نگار نیست

تلمیح به آیه ۳۵ سوره نور: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» اگرچه در اشعار شاعران دیگر تفسیرهای رایج شیعی در تلمیح به این آیه گنجانده شده است اما کمپانی به اشاره‌ای مختصر در این باره بسنده کرده است.

فرق فرقدان سایش زیب تاج کرّمنّا	رانده رفرف همت تا مقام «أو أدنی»
---------------------------------	----------------------------------

(دیوان اشعار کمپانی، ۱۹۴)

بیت به آیات زیر اشاره دارند:

سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۰: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

سوره مبارکه نجم، آیه ۹: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» در واقع اشاره به واقعه معراج پیامبر میباشد.

در علم بیان نیز شاعر از استعاره‌ها و کنایات و تشبیهات مرسوم در ادبیات در شعر انتظار استفاده کرده است که همانطور که قبلاً اشاره شد تحت تاثیر سنن ادبی بوده است و سبب رویکردی عاشقانه با شعر ولایی گردیده است:

در گلستان حقایق شاخه طوبی توپی در چمنزار معارف قد سرو تو چمان
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۴)

تشبیه قامت حضرت بقیه الله الاعظم (عج) به سرو که تحت تاثیر سنن ادبی انجام گرفته است.
قاب قوسین دو ابروی تو ای رفر ف سوار عالمی را میزند بر هم به آن تیر و کمان
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۵)

تشبیه ابروی حضرت ولی عصر (عج) به قاب قوسین .

استفاده از کلمات حوزه شریعت و دین در معنای کنایی و استعاری در رویکرد مدح عاشقانه برای دفعات اول در شعر فارسی تجربه میشود:

ای طاق تو مرا قبیله نیاز از یک اشاره‌ای که مشیر و مشار نیست
غیر از طواف کوی تو ای کعبه مراد هیچ آرزو در این دل آسودار نیست
(دیوان اشعار کمپانی، ۲۰۸)

نتیجه گیری

شعر انتظار بعد از تشکیل حکومت شیعه مذهب صفویه و حتی مدتها پس از آن با رواج معارف مهدوی در بین شاعران شکل گرفت. روند تکاملی این شاخه از شعر ولایی نسبت به شاخه‌های دیگر اشعار ولایی حتی در بین علمای تشیع بسیار کند پیش رفت. بطوریکه در مقاله نشان داده شد رویکرد مدح عاشقانه ائمه معصومین (علیهم السلام) سبب فاصله گرفتن از مناقب و فضایل ولایی ایشان گردید و بسامد مدح عام را در اشعار ولایی بالا برد که شعر انتظار نیز از این مسأله مستثنی نیست.

همانطور که در اشعار شاعران و همچنین آیت الله غروی نشان داده شده است در مبحث شعر انتظار توجه اصلی شاعر به مباحث فکری بوده است و کمتر به صنایع ادبی توجه شده است.
آیت الله غروی اصفهانی اشعار بسیاری درباره واقعه عاشورا و مناقب حضرت فاطمه زهرا (س) سروده اند اما جز در یک بیت این توجه به شعر مهدوی منجر نگردیده است یعنی از منتقم خون آن بزرگواران سخن نرفته است. اغلب فضایل مطرح شده در امام شناسی و ظهور و انتظار نیز در اشعار شاعران پیشین بیان گردیده است و کمتر به مباحث بدیع در این باره توجه شده است.

مآخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- دیوان اشعار، غروی اصفهانی محمد حسین، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۸
- ۳- دیوان اشعار، حزین لاهیجی، بکوشش ذبیح الله صاحبکار، تهران، سایه، ۱۳۷۴
- ۴- دیوان اشعار، واعظ قزوینی محمد رفیع، بکوشش اصغر علمی، تهران، انتشارات ما، ۱۳۸۴
- ۵- دیوان اشعار، آذر بیگدلی لطفعلی علی بیگ، بکوشش حسن سادات نصری، غلامحسین بیگدلی، تهران، ۱۳۶۶
- ۶- دیوان فیض کاشانی، فیض کاشانی، بکوشش مصطفی فیض کاشانی و فائضه و فیروزه فیضی کاشانی، اسوه، ۱۳۷۱
- ۷- دیوان نظام استرآبادی، نظام استرآبادی، تحقیق و تصحیح شایسته ابراهیمی و مرضیه بیگ وردی‌لو، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱
- ۸- سیمای موعود در شعر فارسی، احمدی احمد، مجله آدینه، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶
- ۹- کلیات دیوان فدایی، فدایی مازندرانی کزازی محمد اسماعیل بن محمد هادی، به تصحیح و مقدمه دکتر غلامرضا فدایی، تهران، پیام سحر، ۱۳۹۲
- ۱۰- کلیات دیوان نجیب کاشانی، نجیب کاشانی نورالدین محمد شریف، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر اصغر دادبه، مهدی صدری، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۲